

# تاریخ بلعمی

---

---

از:

«ابوعلی محمد بن محمد بن بلعمی»

تکمله و ترجمه تاریخ طبری

تألیف

ابوجعفر محمد بن جریر طبری

به تصحیح محمد تقی بهار «ملک الشعراء»

به کوشش محمد پروین گنابادی

## ترجمه تاریخ طبری<sup>۱</sup>

ار دحائر گراسهای شرکه حوشحئانه دست حادئه آنرا ار میان سرده و پایمال عارت و سوحتس شده است، دو کتاب است که در بیمه اول قرن سوم هجری ار عربی به پارسی ترجمه شده است و آن دو دحیره گراسهای ادبی همانا یکی ترجمه تفسیر<sup>۲</sup> و دیگر ترجمه تاریخ طبری است تفسیر و تاریخ طبری متعلق به ابی جعفر بن محمد بن حریر بن یرید بن خالد الطبری الاملی است (۲۲۴ - ۳۱۰) که می توان آن دو را ار عمده ترین و معتبرترین و بلکه قدیمی ترین کتب تفسیر و تاریخ اسلامی دانست تاریخ طبری ار ابتدای آفریش جهان تا آعار قرن سوم اسلام (۳۰۲) را نقید صسط آورده است و مورحیی که بعد ار وی آمده اند ار قبیل احمد بن محمد بن مسکویه راری و اس اثیر حرری و دیگران همه بر اثر وی قدم بهاده اند و با آنکه عالی مورحان ار تاریخ طبری استفاده کرده و مخصوصاً اس اثیر در کامل التواریح عیباً عبارات طبری را نقل کرده است مع دلک به قدری تاریخ مرور دارای نکات دقیق و مطالب مفید تاریخی می باشد که محال است مورح با داشتن همه تواریحی که بعد ار آن تألیف شده نار ار کتاب طبری بی یار شود

ار حمله سعادات ادبیات فارسی آست که هر دو کتاب تفسیر و تاریخ طبری در عهد ابوصالح مصوربن بوح سامانی به وسیله و توحه اسوعلی محمد بن محمد بن عبدالله (یا عبیدالله) اللعمی وریر حراسان ار عربی به فارسی ترجمه شده و حوشحئی دیگر آن که هر دو سحه تا امرور مانس هرازان سحه دیگر ار میان برفته و در دسترس عشاق ربان شیرین

۱ - ار شماره ۵ و ۶ سال اول محله تمدن تیر و مرداد ۱۳۱

۲ - حوشحئانه حلد اول و دوم این کتاب هم به همت آقای دکتر مهدوی و تصحیح دوست ار محمد آقای حبیب یعمایی چاپ و منتشر شده و امید است محلدات دیگر بیر انتشار یاند

فارسی باقی مانده است

آنچه ما در صدد گفتگو درباره آن هستیم ترجمه تاریخ طبری است و چنانکه معلوم است بلعمی این تاریخ را در نیمه قرن سوم هجری به فارسی برگردانیده است این نسخه که قریب هزار سال از ترجمه آن می‌گذرد از قدیمترین نثر فارسی اسلامی به شمار می‌آید و اگر چه درین مدت ماسد تمام آثار ادبی دیگر از تصرفات سناح و تفس‌های نویسندگان و حاشیه‌نویسان بیرحم و بدکردار ایمن مانده است، باز از حلال کلمات و عبارات پراکنده و دست‌حورده طرر تحریر شیرین‌تر از قد هزار سال پیش به حوی دیده و فهمیده میشود و اهل بصیرت میتوانند در عین پریشانی و پراکندگی این کتاب، از حبه ححسته آن شعاع اصالت داتی و برق نحات اصلی را دریاسند و از آن تمتع گیرند این تاریخ از بدو آفریش تا آعار قرن سوم هجریست، سک تحریر این کتاب هرچند تا انداره‌ای ترجمه نثر عربی است که حواه‌ناحواه در طرر اسلوب فارسی تاثیر بحشیده ولیکن قدرت قلم مترحم سعی داشته که هرچند نتواند کلمات عربی را بلعات و کلمات و ترکیبات فارسی برگرداند و اسلوب فارسی را از دست بدهد، بدین سب کتاب مربور از تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه نصرالله مستوفی بفارسی بردیکتر و از مشکلات لغات و اصطلاحات عربی وارسته‌تر و نثریست بسی ساده و فصیح و ماسد آب روان و چنان میماید که در رمان خود طوری ساده بوده است که پیرریان ایرانی هم قادر به استفاده از قرائت آن بوده‌اند

لغات فارسی که در آن یافت می‌شود ولی پیدا است که در همان رمان ترجمه سعی شده است حتی الامکان از لغات شعری و کلمات غیر مأنوس احتراز شود و اگر لغتی هم هست که امروز به نظر مشکل و وحشی می‌آید به واسطه گذشت رمان و دوری عصر ما از آن روزگار است این تعریفی که از این کتاب شد بطور یقین و علی‌التحقیق نمیتواند بود، چه ممکن است دست تصرف حواسندگان بسی از لغات مشکل آسرا به لغاتی سهل‌تر بدل کرده‌باشد چنانکه بعد حواهم گفت، پس تعریف ما تقریبی است و محتمل است صحیح باشد و شاید هم با حقیقت کاملاً مطابقت نکند لیکن به دلیلی که در دست هست و آن میل مفرطی است که پادشاهان به عبارات ساده و آسان و سهل‌التناول دارند و بی‌معلوم است که بلعمی این کتاب را برحسب امر پادشاه خود مصورس نوح سامانی نوشته است لذا می‌توانیم آسانی و روانی امروری آنرا تا انداره‌ای نمونه سادگی و سهولت اصلی آن ندانیم

سح‌ه‌های این کتاب آنچه تاکنون نظر رسیده، چند سح‌ه متعدّد در کتاب‌خانه‌های اروپا موحود است و قریب ده‌پانزده سح‌ه هم در طهران است که غالب آن‌ه به نظر نویسنده رسیده و ده سح‌ه آن در دسترس و مورد استعاده فقیر قرار گرفته، و یک سح‌ه از آن هم در هندوستان به طبع رسیده و ترجمه‌ای هم از آن‌ه فراسه شده و در اروپا طبع شده‌است چیری که اسباب تأسف و تحیر است آن است که در تمام این ده سح‌ه حطی و یک سح‌ه چاپی که به نظر این نویسنده رسیده و نا دقت آنها را مقاله و مطالعه کرده‌ام دو سح‌ه دیده می‌شود که به تقریب شبیه به یکدیگر باشند و نتوان گفت که آن دو از یک مأحد حکایت می‌کند و هر سح‌ه‌ای چه در کم و زیاد مطالب و سقطات و چه در اصافات یا اعلاط یا اختلاف عبارات به قدری نا سح‌ه دیگر متفاوت است که هرگاه خواننده صاحب مطالعه باشد و به تصرفات رورافرون هرارساله توجه نداشته باشد، تصور بل حتم خواهد کرد که این کتاب را چند تن در فواصل قرون عدیده ترجمه کرده‌اند و چون به اول هر سح‌ه نگاه کند و بسید که همه سح‌ه‌ها از آن بلعمی است نار خواهد گفت بلعمی چندتن بوده‌اند و یا آنکه بلعمی این ترجمه را به چندتن برگدار کرده‌است، چه متصور بیست یک سح‌ه که از دست یک شخص بیرون آمده‌باشد این اختلاف فاحش را دارا باشد در صورتی که به هیچ‌وجه دلایلی در دست نداریم که حر بلعمی، بلعمی دیگر به ترجمه این کتاب پرداخته باشد و بعد از ترجمه بلعمی دلیل نداشته است که دیگران نا موحود بودن آن کتاب از بو به ترجمه آن دست برند و بیر معقول بیست که در ریر دست بلعمی چند نویسنده به عبارات مختلف آن را مسوده کرده‌باشد پس علت این همه اختلافات چیست!

وقتی شخص متتبع این سح‌ه را می‌بید، ملتفت می‌شود که تصرفات بیرویه سباح و حاشیه‌نویسان در امتداد قرون عدیده چه بلاها بر سر آثار قدما آورده‌اند، و از این رویه بعد از مسلم داشتن اینکه همه این سح‌ه‌ها فسح و سح سح‌ه اصلی بلعمی است، می‌توان عقیده بعضی از محققان را قبول کرد که اشعار شاهنامه سدرت نا اصل گفته فردوسی مطابقت می‌کند، مگر اشعاری که در کتب متفرقه تنوالی و تواتر نقل شده و از آن‌رو در حافظه‌ها بصورت صحیح ناقی مانده باشد نا الحمله هر چه سح‌ه قدیمتر نا لا می‌رویم عبارات فارسی اصیل‌تر و لغات فارسی ریادتر دیده می‌شود و گاهی هم لغات عربی دیده می‌شود که در سح‌ه بعد آنها را به فارسی برگردانیده‌اند ولی عله نا قدیمی بودن لغات و ترکیبات فارسی است